

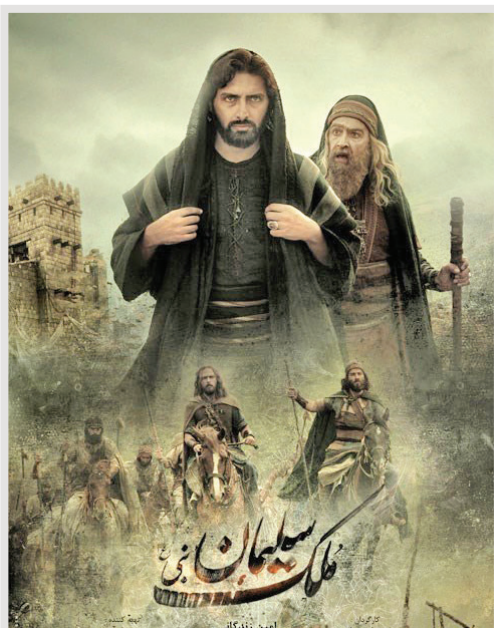


با اسکن کیوآرکد مستند
این گزارش را ببینید.



از مردان آنجلس تا ملک سلیمان

وقتی تاریخ و سینما بر فراز تخت رستم به هم رسیدند



ساسانیان، بسیاری از آتشکده‌ها برای در امان ماندن از تخریب به نام‌هایی چون رستم یا سلیمان تغییر نام دادند. همین کوه نیز بعدها با نام تخت رستم شناخته شد تا معنای اصلی آن پنهان بماند.

شاید به همین دلیل باشد که لوکیشن فیلم ملک سلیمان هم در اطراف همین کوه انتخاب شد. فضای رازآلود و سنگ‌های سیاه آتشفشانی آن به گونه‌ای است که گویی هنوز هم صدای ناقوس یا شعله‌های آتش از دل آن به گوش می‌رسد. کوه تخت رستم با ساختاری خاص و موقعیت طبیعی‌اش حال‌وهوایی برای فیلم‌هایی با مضامین ماورایی و مذهبی فراهم می‌کند که کمتر جایی در اطراف تهران چنین ویژگی‌هایی دارد.

بر فراز این کوه سیاه و خاموش، هنوز هم زمزمه‌هایی در باد هست. بعضی‌ها باور دارند که بالای این کوه انرژی خاصی در جریان است، نوعی نیروی خاموش ولی زنده که انسان را به تأمل، آرامش درونی و حتی مراقبه دعوت می‌کند. برای همین، برخی از جویندگان سکوت یا نیت‌کنندگان بی‌صدا راه قله را پیش می‌گیرند، جایی که آسمان نزدیک‌تر است و زمان کندتر می‌گذرد.

از نظر باستان‌شناسی هم، تخت رستم ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. ستون‌ها، سکو‌ها و سازه‌های سنگی آن به گونه‌ای طراحی شده‌اند که شباهت‌هایی با معماری معابد هندو و حتی بناهای اسرارآمیز اورارتویی (تمدنی کهن در شمال غرب ایران و شرق ترکیه امروز) دارد. این شباهت‌ها به رغم نبود کاوش‌های دقیق، ذهن بسیاری از پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ را به خود مشغول کرده است. گویی رازهایی در دل این کوه نهفته است که هنوز به زبان نیامده‌اند.

برخی از محلی‌ها آن را «آتشکوه» یا «قله آتش» می‌نامند؛ نام‌هایی که ریشه در حافظه آیینی ایران زمین دارد. این نام‌ها گواهی هستند بر روزگاری که در این مکان آتش زبانه می‌کشید و مردم برای نیایش با سکوت و احترام به آن نزدیک می‌شدند.

این بار مقصد ما نه قلعه‌ای تاریخی بود، نه باغی پر از میوه، بلکه جایی بود که مردان آنجلس روزی در آن به خواب رفته بودند.

بله، درست خواندید! تخت رستم در شهریار، لوکیشن اصلی سریال «مردان آنجلس» بود؛ همان داستان اصحاب کهف که سال‌ها پیش از تلویزیون ایران پخش شد و با آن موسیقی غم‌انگیز و حال‌وهوای عرفانی‌اش دل بسیاری از بیننده‌ها را برد. حالا ما ایستاده‌ایم بر بلندی‌های تخت رستم، جایی در جنوب شهریار که هنوز هم ردی از آن داستان دارد. کوچه‌های اطرافش اسامی عجیبی دارند: کوچه آنجلس، کوچه کیکاووس، کوچه افاقیا... گویی شهرک کوچکی در اینجا شکل گرفته برای همیشه ماندگار شدن در خاطره‌ای دور.

راه که می‌رویم، باد می‌وزد و هر لحظه ممکن است صدای «ما اهل کهفیم...» در گوشمان زنده شود. محوطه تاریخی تخت رستم با سنگ‌چین‌های کهن و سکویی که بر بلندایش ساخته شده، مکانی است باستانی که حالا با روایت‌های مذهبی و هنری آمیخته شده. محلی‌ها هنوز هم با افتخار از روزهایی یاد می‌کنند که عوامل فیلمبرداری با دوربین و اسب و نور وارد کوچه‌های خاکی می‌شدند و «مردان آنجلس» را زنده می‌کردند.

در بالای تپه، جایی که تخت رستم نام دارد، آتشکده‌ای اسرارآمیز بر بلندای تپه‌ای آتشفشانی و از جنس آندزیت ساخته شده، جایی در نزدیکی روستای قجر که می‌گویند محل یکی از هفت‌خان رستم بوده. احتمال دارد این آتشکده در دوره ساسانی و حتی شاید اشکانی به فرمان موبد مازیار فوجیان ساخته شده باشد، هرچند به دلیل نبود کاوش‌های دقیق، هنوز قدمت آن در هاله‌ای از ابهام است.

آتشکده دارای ۳ جایگاه عبادت بود: پایین کوه، میانه دامنه و در نهایت بالای قله که تنها موبد ارشد اجازه ورود به آن را داشت. از آن سازه گنبدی بالای قله امروز تنها تکه‌سنگ‌های درهم‌ریخته باقی مانده. جالب‌تر آنکه پس از انقراض